

پیامد انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری ایران و آلمان نازی بر سیاست‌گذاری‌های اقتصاد حکومت پهلوی در بخش کشاورزی*

سید حسن شجاعی دیوکلائی^۱

چکیده

بحران اقتصادی ۱۹۲۹ موجب کاهش درآمد ناشی از صدور مواد اولیه در ایران شد. در نتیجه این وضعیت ایران ناچار شد تا به منظور تأمین هزینه‌های مورد نیاز واردات کالاهای مصرفی خود به اجرای سیاست صنعتی‌سازی دست بزند. در چنین شرایطی ایران به سوی برقراری روابط اقتصادی با آلمان نازی که در صدد تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع جنگی خود بود سوق داده شد تا از این طریق علاوه بر فروش مواد اولیه، ماشین‌آلات مورد نیاز صنایع خود را تأمین کند. در پی این نیاز متقابل بود که قرارداد تصفیه محاسبات تجاری میان ایران و آلمان منعقد شد. انعقاد این قرارداد علاوه بر بخش صنعت پیامدهای مهمی در سیاست‌گذاری‌های حکومت پهلوی در سایر بخش‌های اقتصادی از جمله بخش کشاورزی داشت. مقاله حاضر در صدد است تا با استفاده از روش تاریخی و با به‌کارگیری اسناد و مدارک آرشیوی، کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجلات عصر پهلوی اول به بررسی پیامدهای انعقاد این قرارداد بر سیاست‌های حکومت پهلوی در بخش کشاورزی بپردازد. اولویت یافتن بخش کشاورزی در سیاست‌های اقتصادی حکومت با هدف توسعه کشاورزی تجاری جهت تأمین مطالبات مواد اولیه آلمان و خارج شدن سیاست صنعتی‌سازی از اولویت برنامه‌های اقتصادی حکومت از جمله پیامدهای انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری میان دو کشور بود.

واژگان کلیدی: ایران، آلمان نازی، قرارداد تصفیه محاسبات تجاری، اقتصاد کشاورزی

Consequence of commercial accounts clearing contract between Iran and Nazi Germany for economic policies of Pahlavi government in agriculture

Seyyd Hassan Shojaee Divkalaee²

Abstract

The Great Depression of 1929 caused a fall in national income from raw materials export in Iran. As a result Iran had to adopt industrialization policy in order to provide budget for import of consumer goods. In this circumstances Iran was willing to make economic relationship with Nazi Germany which wanted to provide raw materials for his war industry, consequently Iran could not only sell his raw materials but also provide machinery for his industry. As a result of this mutual need, Iran and Nazi Germany signed commercial accounts clearing contract. As a result, this contract not only brought great consequences for economic policy of Pahlavi government but also for agricultural parts. This research is going to study consequences of this contract for Pahlavi's agricultural policies according to a historical method and using archive documents, books, newspapers and magazines during Pahlavi I. One of the consequences of commercial accounts clearing contract was development of commercial agriculture for providing raw materials for Germany, it took priority over industrialization and all other policies.

Key words: Iran, Nazi Germany, commercial accounts clearing contract, agricultural economy.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی *تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۰

2. Assistant Professor, Department of History Shahid Beheshti University (Shahid Beheshti University, G.C.) Email: H_shojaee@sbu.ac.ir

مقدمه

تحولات سیاسی و اقتصادی ایران در دوران شانزدهساله سلطنت پهلوی اول به شدت تحت تأثیر تحولات سیاسی و اقتصادی دوران پرتلاطم تاریخ اروپا در سال‌های میان دو جنگ جهانی بود. از جمله این تحولات به قدرت رسیدن رژیم نازی در آلمان بود که پیامدهای سیاسی و اقتصادی مهمی در ایران داشته است. برقراری روابط نزدیک سیاسی اقتصادی میان حکومت پهلوی و رژیم نازی عامل اصلی ایجادکننده این پیامدهای سیاسی و اقتصادی مهم در ایران بود. برقراری روابط نزدیک سیاسی همراه با علقه‌های فرهنگی و نژادی که در تبلیغات رژیم نازی پررنگ بود سهم مهمی در اتخاذ سیاست بی‌طرفی در زمان وقوع جنگ جهانی دوم داشت. اصرار حکومت پهلوی بر سیاست بی‌طرفی که نوعی سیاست جانبدارانه از آلمان نازی بود و در نهایت هم منجر به اشغال ایران توسط نیروهای متفقین گردید از جمله پیامدهای برقراری روابط نزدیک سیاسی میان دو رژیم بود.

علاوه بر این در حوزه اقتصاد هم رابطه ایران و آلمان نازی پیامدهای مهمی بر تحولات اقتصادی ایران داشت. انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری ایران و آلمان سرآغاز این رابطه اقتصادی و پیامدهای آن بود. اهمیت انعقاد این قرارداد در تاریخ اقتصادی ایران عصر پهلوی اول به اندازه‌ای بود که در کوتاه‌زمانی ایران را همانند سایر کشورهای اروپای شرقی، که چنین قراردادی را با رژیم نازی منعقد کردند، به اقمار رژیم نازی تبدیل کرد. قرارداد تصفیه محاسبات تجاری که مبادله پایاپای را در مناسبات اقتصادی دو کشور برقرار می‌کرد پیامدهای مهمی بر بخش‌های مختلف اقتصاد ایران از جمله بخش‌های صنعت، معدن، دامپروری و کشاورزی داشت و فعالیت‌های اقتصادی در هریک از این بخش‌ها را تحت تأثیر خود قرار داد.

بر این اساس مقاله پیش‌رو درصدد است تا با استفاده از روش تاریخی و با به‌کارگیری اسناد و مدارک آرشیوی، کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجلات منتشرشده در عصر پهلوی اول با طرح این پرسش که انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری ایران و آلمان چه پیامدی بر سیاست‌گذاری‌های حکومت پهلوی در بخش اقتصادی داشته است؟ به بررسی این پیامدها در بخش کشاورزی بپردازد.

برای پاسخ دادن به این پرسش آنچه که پیش از همه باید مورد توجه قرار گیرد چرایی و چگونگی برقراری رابطه اقتصادی میان ایران و آلمان است که منجر به انعقاد این قرارداد برای انجام مبادله اقتصادی پایاپای شد. به نظر می‌رسد در نخستین گام پاسخ این پرسش مقدماتی را باید در سیاست‌های اقتصادی رژیم نازی و اهمیت و جایگاه تأمین مواد اولیه در سیاست‌های اقتصادی

این رژیم جست.

اهمیت تأمین مواد اولیه در سیاست‌های اقتصادی رژیم نازی

رژیم نازی پس از دستیابی به قدرت با مشکلات اقتصادی متعددی دست به گریبان بود. بخشی از این مشکلات ریشه در شرایط قبل و بعد از جنگ جهانی اول داشت. اما بخش اعظمی از این مشکلات ناشی از بحران اقتصادی ۱۹۲۹ بود.^۳ بیکاری، رکود اقتصادی و به دنبال آن نارضایتی گروه‌های اجتماعی از وضعیت اقتصادی موجود، عواملی بودند که نازی‌ها را در موقعیت دشوار سیاسی و اقتصادی قرار می‌دادند. در واقع حزب نازی با استفاده از ناکارآمدی جمهوری وایمار در رفع این مشکلات توانست گروه‌های اجتماعی را به جنبش خود جذب کند و قدرت را به دست گیرد. در چنین وضعیتی تلاش برای رفع مشکلات اقتصادی مسأله‌ای حیاتی بود و موفقیت حزب نازی در رفع این مشکلات تأثیر مستقیم در مشروعیت، بقا و استحکام حکومت نوپایش داشت.^۴

برای انجام چنین کاری یکی از اقدام‌های اقتصادی مهم رژیم نازی تجدید سلاح، به منظور ایجاد اشتغال از طریق به‌کارگیری افراد در کارخانه‌های ساخت سلاح با هدف ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی بود. تلاش برای تجدید سلاح اگرچه در ایجاد اشتغال سهم بزرگی داشت، اما هدف از اجرای آن تنها ایجاد اشتغال نبود. با تجدید سلاح رهبران حزب می‌توانستند هم به وعده‌های انتخاباتی خود به سرمایه‌داران و صاحبان صنایع بزرگ جامعه عمل ببوشانند، و هم می‌توانستند سیاست‌های خود را در زمینه کسب فضای حیاتی عملی کند.^۵

در واقع حزب نازی و در راس آن هیتلر بهره‌مندی از چنین امکانی را به سرمایه‌داران و صاحبان صنایع قبل از دستیابی به قدرت وعده داده بودند. در هفتم ژانویه ۱۹۳۳ هیتلر نطقی برای صاحبان برجسته صنایع آلمان در شهر دوسلدورف ایراد کرد و از آنها خواست که به کمک‌های مالی خود به حزب نازی برای مبارزات انتخاباتی دهه ۱۹۳۰ ادامه دهند و بر آن بیفزایند. وی به آنها اطمینان داد که تحقق افزایش توان تسلیحاتی آلمان پس از به قدرت رسیدن رژیم نازی در مقیاس وسیعی برای آنها بازار فروش فراهم می‌کند و به بیکاری خاتمه می‌دهد.^۶

اما سیاست رژیم نازی برای تجدید سلاح در همان ابتدای کار با یک مشکل اساسی روبه‌رو بود.

3. Dieter Petzian, "Germany and the Great Depression," *Journal of contemporary History*, vol. 4, No. 4 (Oct. 1969), p. 59-74.

4. Gordon A. Craig, *Germany 1866- 1945* (New York: Oxford university press, 1981), p 603.

۵. برای مطالعه بیشتر در زمینه رابطه تجدید سلاح با تأمین فضای حیاتی و منافع سرمایه‌داران و صاحبان صنایع بزرگ نک:

موریس داب، *مطالعاتی در زاد و رشد سرمایه‌داری*، ترجمه حبیب‌الله تیموری (تهران: نی، ۱۳۷۹)، ص ۳۷۸.

۶ جان وایس، *سنت فاشیسم*، ترجمه عبدالمحمد طباطبائی یزدی (تهران: هرمس، ۱۳۸۰)، ص ۱۰۰.

این مشکل کمبود مواد اولیه مورد نیاز صنایع در آلمان بود که در شرایط خاص مخصوصاً شرایط جنگی تشدید می‌شد. به عنوان مثال، اجرای ناوگان «طرح زد»^۷ که بنا بود برای نیروی دریایی آلمان ساخته شود نیاز به شش میلیون تن نفت سیاه داشت که این میزان معادل کل مصرف آلمان در سال ۱۹۳۸ بود، و یا طرح نیروی هوایی آلمان برای ساختن نوزده هزار هواپیما در سال ۱۹۴۲ مستلزم دسترسی به هشتاد و پنج درصد از نفت تولیدشده در جهان بود.^۸ مشکل ناکافی بودن مواد اولیه برای اجرای طرح‌های تسلیحاتی رژیم نازی را نگران و وادار به یافتن راه چاره می‌کرد. این نگرانی ناشی از تجربه‌ای بود که در جنگ جهانی اول به دست آمده بود. آسیب دیدن اقتصاد جنگی آلمان از محاصره دریایی نیروهای اتفاق مثلث و لزوم آمادگی اقتصادی برای ادامه جنگ که البته بخشی از این آمادگی به تأمین مواد اولیه بستگی داشت، تجربه‌ای بود که آلمانی‌ها از جنگ جهانی اول کسب کرده بودند. در سال ۱۹۱۸ بیشتر مردم این کشور شکست در جنگ را ناشی از مشکلات اقتصادی می‌دانستند. بر این اساس درسی که آلمانی‌ها از جنگ جهانی اول گرفته بودند این بود که جنگ‌های آینده علاوه بر نظامی بودن جنگ‌های اقتصادی نیز هستند.^۹ بر پایه این تجربه بود که در سیاست‌های اقتصادی نازی‌ها تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع، مخصوصاً صنایع جنگی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد.

با توجه به اهمیت تأمین مواد اولیه در سیاست‌های اقتصادی رژیم نازی و با توجه به مشکل کمبود مواد اولیه در آلمان این پرسش مطرح می‌گردد که نازی‌ها چه روشی را برای تأمین این مواد در پیش گرفتند؟ به طور طبیعی و در چنین شرایطی هر حکومتی نیازهای اقتصادی خود را از طریق مبادلات بین‌المللی تأمین می‌کند. اما برای نازی‌ها امکان تهیه مواد اولیه با این شرایط وجود نداشت. زیرا این کشور برای دستیابی مواد اولیه از طریق مبادلات بین‌المللی با دو مشکل روبه‌رو بود. اولاً تأمین این مواد با چنان حجم بالایی مخصوصاً در شرایط جنگی امکان‌پذیر نبود. ثانیاً اقتصاد آلمان در نتیجه بحران اقتصادی ۱۹۲۹ با مشکلات ارزی روبه‌رو بود و امکان خرید مواد اولیه از طریق مبادلات بین‌المللی با شرایط تجاری مرسوم را نداشت.^{۱۰}

به همین دلیل رژیم نازی ناچار شد برای تأمین مواد اولیه مورد نیاز خود دو سیاست را در پیش

7. Z Plan

۸. پل کندی، ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ. ترجمه محمد قائد و دیگران. ج ۲ (تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲)، ص ۲۸۵.

9. R. Orvey, *War and Economy in the Third Reich* (London: 1992), p 176.

۱۰. شپرد کلاف، توماس مودی و کارل مودی، تاریخ اقتصادی اروپا در قرن بیستم. ترجمه محمد حسین وقار (تهران: گستره،

بگیرد. اول سیاست اوتارسی یا خودبسندگی با هدف تولید کالاها و مواد مورد نیاز خود در داخل کشور، و دوم برقراری روابط اقتصادی با برخی از کشورها بر اساس پیمان‌های مبادلاتی پایاپای دوجانبه.

هدف نازی‌ها از اجرای سیاست خودبسندگی (اوتارسی) تولید و تأمین تمام احتیاجات داخلی از جمله مواد اولیه با استفاده از منابع و امکانات موجود در کشور بود. در واقع دولت‌های اوتارسی با اجرای این سیاست قصد دارند واردات خود را به حداقل و یا حتی صفر برسانند و در مناسبات خود با دولت‌های خارجی به استقلال کامل دست یابند. نیروی محرک این سیاست، میل به داشتن آزادی بیشتر در روابط بین‌المللی است.^{۱۱} بر پایه چنین نگرشی بود که نازی‌ها درصدد اجرای سیاست اوتارسی در آلمان برآمدند. هیتلر معتقد بود که کشور باید به لحاظ اقتصادی مستقل باشد و نباید به اقتصاد بین‌المللی وابسته یا در سرمایه‌گذاری خارجی مشارکت داشته باشد.^{۱۲}

با چنین نگرشی هیتلر و رژیم نازی سیاست اوتارسی را در پیش گرفتند. اما از اجرای این سیاست هدف ویژه‌ای را دنبال می‌کردند. این هدف ویژه تولید تمام مواد اولیه موردنیاز صنایع آلمان به روش‌های طبیعی و مصنوعی در داخل کشور بود. برای به اجرا گذاشتن این سیاست نخستین گام در بخش کشاورزی برداشته شد. در پایان سال ۱۹۳۲ پیش از رسیدن هیتلر به مقام صدراعظمی، قانون 'یارانه نبرد تولید' با اعمال نفوذ نمایندگان حزب نازی در رایشتاگ به تصویب رسید. بر اساس این قانون دولت یارانه‌های زیادی به بخش کشاورزی اختصاص داد که هدف از آن افزایش تولید محصولات کشاورزی بود. سیاست‌های حمایتی حکومت نازی از بخش کشاورزی در سال‌های بعد نیز ادامه پیدا کرد. در سال ۱۹۳۳ قانونی به تصویب رسید که بدهی‌های مالیاتی مزارع را کاهش می‌داد. در قانون بودجه سال ۱۹۳۵ هم مبلغ صد میلیون مارک برای تشویق بخش کشاورزی در نظر گرفته شد.^{۱۳}

تلاش برای خودبسندگی اقتصادی تنها به تولید محصولات کشاورزی محدود نماند. به منظور تولید هرچه بیشتر مواد اولیه مخصوصاً موادی مانند نفت، کائوچو و چربی که امکان تولید آن به صورت طبیعی در کشور وجود نداشت و یا محدود بود، رژیم سعی کرد تا به روش‌های مصنوعی و با

۱۱. پیر رونوون و ژان باتیست دوروزل. *مبانی و مقدمات تاریخ روابط بین‌الملل*. ترجمه احمد میرفندرسکی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴)، ص ۶۵.

۱۲. چارلز رینولدز، *وجوه امپریالیسم*، ترجمه سید حسن سیف‌زاده (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱)، ص ۱۷۰.

۱۳. گرن دانیل، *فاشیسم و نگاه‌های اقتصادی کلان*. ترجمه رضا مرادی اسپیلی (تهران: قطره، ۱۳۸۳)، ص ۳۸۵-۳۸۴.

به کارگیری علم شیمی به این امر نائل آید.^{۱۴} این سیاست در واقع محصول تصمیم‌گیری‌های رژیم بر اساس برنامه‌ای چهارساله بود که در سال ۱۹۳۶ به تصویب رسید. هدف از تصویب این برنامه افزایش تولید مواد اولیه مورد نیاز صنایع نظامی جهت آغاز جنگ در سال ۱۹۴۰ بود. اجرای برنامه چهارساله اگرچه موفقیت‌هایی در زمینه تولید مصنوعی مواد اولیه به همراه داشت، اما ادامه این کار به دلیل هزینه‌بر بودن امکان‌پذیر و مقرون‌به‌صرفه نبود. در حالی که هزینه ساخت هر ده هزار لیتر بنزین به روش مصنوعی صدوچهل فرانک تمام می‌شد؛ این رقم برای همین میزان بنزین با روش تولید طبیعی بیست‌ودو فرانک بود.^{۱۵} هزینه‌بر بودن اجرای این سیاست که گفته می‌شد نیاز به سرمایه‌گذاری بین شش تا هشت میلیارد مارک داشت^{۱۶} از یک سو و ناکارآمد بودن آن در تأمین نیاز مواد اولیه صنایع از سوی دیگر موجب شد تا رژیم نازی به برقراری روابط اقتصادی براساس مبادله پایاپای (تهاتری) که از سال ۱۹۳۴ از آن به عنوان روشی برای تأمین مواد اولیه استفاده می‌کرد، تمایل بیشتری پیدا کند.

سیاست انعقاد قراردادهای تجاری پایاپای برای تأمین مواد اولیه را برای نخستین بار دکتر هیالمار شاخت^{۱۷} رئیس رایش بانک آلمان در سال ۱۹۳۴ مطرح کرد. این طرح اساساً یک نظام موافقتنامه تجاری بود که بر اساس آن آلمان تولیدات کشورهایی را می‌خرید که موافقت می‌کردند در مقابل تولیدات صنعتی آلمان را خریداری کنند.^{۱۸} این طرح را رژیم نازی از همان سال ۱۹۳۴ به اجرا گذاشت و با انتصاب دکتر شاخت به سمت وزارت اقتصاد به شکل جدی‌تر دنبال کرد. نخستین حوزه اجرای این طرح منطقه دانوب و بالکان در اروپا بود. بحران اقتصادی ۱۹۲۹ مشکلات اقتصادی فراوانی برای کشورهای این منطقه که تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و دامپروری بودند ایجاد کرد. همانند سایر کشورهای تولیدکننده مواد اولیه کشاورزی و دامی، کشورهای این منطقه هم با کاهش درآمد حاصل از فروش محصولات کشاورزی خود مواجه بودند و در نتیجه آن با کاهش قدرت خرید کالاها ساخته‌شده مواجه گردیدند.^{۱۹} در چنین شرایطی بود که فرصت انعقاد پیمان‌های پایاپای دوجانبه میان آلمان و کشورهای حوزه دانوب و بالکان ایجاد شد. هدف

14. Craig, p 606.

۱۵. دانیل، ص ۳۳۹.

17. Hjalmer Schacht

۱۶. همان، ص ۳۳۸.

۱۸. کلاف و دیگران، ص ۱۲۰.

19. Hans Raupac, "The Impact of the Great Depression on The Easter Europe," *Journal of Contemporary History*, Vol 4, No 4 (Oct 1969), p 75 – 86.

این کشورها از انعقاد چنین پیمان‌هایی فروش مواد اولیه و وارد کردن کالاهای ساخته‌شده بدون پرداخت پول پایه طلا بود. زیرا این کشورها برای بازپرداخت وام‌های خارجی خود به پول پایه طلا نیاز داشتند. در مقابل آلمان هم که به عنوان یک کشور مقروض با مشکل ارزی دست‌وپنجه نرم می‌کرد، تلاش داشت تا مواد اولیه را از طریق معاوضه با کالاهای ساخته‌شده صنعتی خود تأمین کند.^{۲۰}

در چارچوب همین تمایلات بود که از سال ۱۹۳۴ نخستین قراردادهای دوجانبه پایاپای میان آلمان و این کشورها منعقد شد. در این سال آلمان با مجارستان و یوگسلاوی قراردادهای دوجانبه‌ای امضا کرد. در قرارداد دوجانبه با مجارستان مقرر گردید آلمان علاوه بر خرید محصولات کشاورزی این کشور، به دولت مجارستان وامی جهت بهبود و افزایش تولید محصولات کشاورزی بدهد و دولت مجارستان آن وام را در اختیار کشاورزان این کشور قرار دهد. در مقابل مجارستان متعهد می‌شد سهمیه واردات کالاهای ساخته‌شده آلمان را به کشور خود افزایش دهد.^{۲۱}

قراردادهای دیگری هم تحت همین شرایط با یوگسلاوی در سال ۱۹۳۴ و چکسلواکی در سال ۱۹۳۸ به امضا رسید. بدین ترتیب چنین قراردادهایی به یک رویه از سوی رژیم نازی در برقراری مناسبات تجاری و مبادلاتی با سایر کشورها تبدیل شد. رومانی که از چنین مبادله‌ای با آلمان بیم داشت سرانجام در دسامبر ۱۹۳۷ به امضای قرارداد تهاثرتی با این کشور تن داد و براساس آن حاضر به مبادله گندم، غلات و علوفه خود با کالاهای آلمانی شد. در این مبادله اگرچه قیمت محصولات رومانی به بهایی بیشتر از قیمت‌های جهانی خریداری می‌شد، اما نوع روابط به گونه‌ای بود که موجب می‌شد تا رومانی و سایر کشورهای امضاکننده مبادلات دوجانبه به لحاظ اقتصادی به آلمان وابسته گردند و به صورت اقمار این کشور درآیند. تحت تأثیر به وجود آمدن چنین وابستگی بود که رومانی در ۱۴ فوریه ۱۹۳۹ موافقت خود را با تدوین برنامه وسیعی به منظور همکاری اقتصادی با آلمان اعلام کرد که در آن بهره‌برداری مشترک از چاه‌های نفت رومانی و همچنین تطبیق تولید کشاورزی رومانی با نیازمندی‌های آلمان پیش‌بینی شده بود.^{۲۲}

قرارداد دوجانبه پایاپای با رومانی و همچنین سایر قراردادهای دوجانبه با یوگسلاوی، مجارستان،

۲۰. فرانک تاپیتسون و رابرت آلدريج، *تاریخ اقتصادی و اجتماعی اروپا*، ترجمه کریم پیرحیاتی، ج ۱ (تهران: علمی و فرهنگی،

۱۳۷۵) ص ۲۹۷.

۲۱. همان، ص ۲۹۷.

۲۲. رونون و دوروزل، ص ۷۳-۷۲.

یونان و بلغارستان را دکتر شاخت با سفر به این کشورها منعقد می‌کرد. مشابه چنین قراردادی میان ایران و آلمان هم منعقد گردید. این قرارداد که تحت عنوان پروتکل محرمانه مبادلات تجاری ایران و آلمان که در ۳۱ ژانویه ۱۹۳۶ (۱۱ بهمن ۱۳۱۴) منعقد شد پیامدهایی مهمی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی حکومت پهلوی در بخش کشاورزی داشت که در ادامه خواهیم پرداخت.

زمینه‌های انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری میان ایران و آلمان نازی

از سال ۱۳۱۳ (۱۹۳۴) در ایران و آلمان شرایطی به وجود آمد که زمینه‌ساز تقویت مناسبات اقتصادی میان دو کشور شد. در مباحث بالا اشاره شد که با روی کار آمدن رژیم نازی تأمین مواد اولیه به مهم‌ترین اولویت در سیاست‌های اقتصادی این رژیم تبدیل شد. این امر موجب شد تا ایران به عنوان کشور تولیدکننده مواد اولیه مورد توجه سران رژیم نازی قرار گیرد. در سوی دیگر همانند سایر کشورهای تولیدکننده مواد اولیه،^{۲۳} ایران هم در نتیجه بحران اقتصادی ۱۹۲۹ با کاهش درآمد^{۲۴} و مشکلات ارزی مواجه شد که نتیجه مستقیم آن کاهش قدرت خرید کالاهای ساخته‌شده مخصوصاً کالاهای مصرفی بود.^{۲۵} برای رفع این مشکل حکومت پهلوی همانند برخی از کشورهای توسعه‌نیافته از جمله کشورهای آمریکای لاتین^{۲۶} در صدد اجرای سیاست صنعتی‌سازی با استراتژی جایگزین واردات برآمد.^{۲۷}

این استراتژی اگرچه با هدف کاهش پرداخت‌های ارزی برای واردات کالاهای مصرفی به اجرا درمی‌آمد، ولی کمبود ارز را به‌واسطه لزوم وارد کردن ماشین‌آلات صنعتی تشدید می‌کرد. به همین دلیل کارشناسان اقتصادی کشور به تدریج از سال ۱۳۱۳ افزایش تولید و صدور مواد اولیه

23. C. H. Lee, "The Effects of the Depression on Primary Producing Countries," *Journal of Contemporary History*, Vol. 4, No. 4 (Oct. 1969), p. 139-155

۲۴. برای اطلاع از میزان این کاهش درآمد در سال‌های اوج پیامدهای بحران (۱۳۰۸-۱۳۱۱) در ایران نک: اطاق تجارت، س، ۴، ش ۵۲ (۱۵ آذر ۱۳۱۱)، ص ۱۸-۲۶؛ سالنامه پارس، سال ۱۳۱۳، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۲۵. برای اطلاع از میزان کاهش واردات مخصوصاً کالاهای مصرفی نگاه کنید به آمار احصائیه واردات گمرک ایران در سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۰ مندرج در اطاق تجارت، س، ۴، ش ۵۳ (۱ دی ۱۳۱۱)، ص ۲۵-۲۹.

۲۶. ال. اس. استاوریانوس، جامعه‌شناسی تاریخی-تطبیقی جهان سوم، ترجمه رضا فاضلی، ج ۳ (اراک: دانشگاه آزاد اسلامی اراک، ۱۳۸۵)، ص ۱۵۴.

۲۷. هدف از اجرای این استراتژی ایجاد صنایعی است که با تولید کالاهای مصرفی کشور را از واردات این نوع کالاها بی‌نیاز کند. پل بروک، جهان سوم در بن‌بست، امیرحسین جهاننگلو، (تهران: خوارزمی، ۱۳۵۵)، ص ۱۹۵؛ توماس لارسون و دیوید اسکیدمور، اقتصاد سیاسی بین‌المللی تلاش برای کسب قدرت و ثروت، ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی (تهران: قومس، ۱۳۸۳)، ص ۲۳.

را مورد توجه قرار دادند تا به‌واسطه آن ارزش مورد نیاز واردات ماشین‌آلات صنعتی را تأمین کنند. آمار صادرات ایران در این دوره حاکی از اتخاذ چنین رویه‌ای از سوی حکومت است. به‌عنوان مثال میزان صدور پنبه از ۲۶۰۰۰ تن در سال ۱۳۱۱ به ۲۸۰۰۰ تن در سال ۱۳۱۴،^{۲۸} کنیرا از ۱۱۴۰ تن در سال ۱۳۱۱ به ۲۸۱۰ تن در سال ۱۳۱۴ و خشکبار از ۲۸۷۴۰ تن در سال ۱۳۱۱ به ۳۶۷۷۶ تن در سال ۱۳۱۴ افزایش یافت.^{۲۹} افزایش صدور مواد اولیه از سال ۱۳۱۳ تنها به این کالاها محدود نماند، بلکه بر میزان تولید و صدور سایر کالاهایی که عمدتاً مواد اولیه بودند نیز افزوده شد. این افزایش از ۱۴۲۰۰۰ تن در سال ۱۳۱۲ به میزان ۱۹۹۰۰۰ تن در سال ۱۳۱۳ و ۲۴۷۰۰۰ تن در سال ۱۳۱۴ بوده است.^{۳۰}

چنین افزایشی در حالی صورت می‌گرفت که علاوه بر وجود مشکل دیرینه مبادلاتی میان ایران و شوروی که اصلی‌ترین خریدار مواد اولیه بود،^{۳۱} از سال ۱۳۱۳ میان ایران و آلمان هم که دومین خریدار بزرگ مواد اولیه کشور بود مشکلات مبادلاتی و تجاری به‌وجود آمد. این مشکل ناشی نوع مبادله تجاری بود - مبادله پایاپای - که آلمان نازی در پیش گرفته بود و صادرکنندگان ایرانی را با موانع و چالش‌های زیادی در این کشور مواجه می‌کرد.^{۳۲}

در چنین شرایطی رجال سیاسی و اقتصادی ایران تصمیم به رفع مشکل به‌وجودآمده از طریق مذاکره و انعقاد قرارداد تجاری با آلمان گرفتند. علی‌رغم مشکلاتی که سیستم تجاری آلمان به وجود آورده بود، برخی مشابهت‌ها و نیازهای اقتصادی متقابل وجود داشت که به برقراری مناسبات جدید اقتصادی میان دو کشور کمک می‌کرد. در هر دو کشور نظارت شدید دولتی بر اقتصاد حاکم شده بود. علاوه بر این ایران نیاز به فروش مواد اولیه خود داشت تا به‌واسطه آن ارزش مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های صنعتی را تأمین کند. این در حالی بود که آلمان هم برای تجدید سلاح و افزایش توان تسلیحاتی خود نیاز به تهیه مواد اولیه داشت و حاضر بود آن را با

۲۸. روزنامه اطلاعات، س ۱۲، ش ۳۳۷۶ (اول بهمن ۱۳۱۶)، ص ۱.

۲۹. اطلاق تجارت، س ۹، ش ۱۸۲ (۱۶ خرداد ۱۳۱۷)، ص ۳-۴.

۳۰. آمار برگرفته از اطلاق تجارت، س ۸، ش ۱۷۳ (۱ بهمن ۱۳۱۶)، ص ۸.

۳۱. مشکلات تجاری ایران با شوروی ناشی از تحمیل‌های حکومت این کشور قبل و پس از انقلاب ۱۹۱۷، به عنوان طرف تجاری برتر به ایران بود. این مشکلات پس از ملی شدن تجارت خارجی این کشور در سال ۱۲۹۹ شمسی (۱۹۲۰) توسط حکومت بلشویکی تشدید شد. برای مطالعه بیشتر نک: محمود طاهراحمدی، روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴)، ص ۱۲۰-۷۷.

۳۲. برای اطلاع بیشتر نک: ادريس حسين‌زاده خوئی، «وقفه تجارت ایران در آلمان، لزوم اقدام فوری»، اطلاق تجارت، س ۵،

ش ۹۳، (۱ تا ۱۵ شهریور ۱۳۱۳)، ص ۷-۵.

ماشین آلات صنعتی مبادله کند.

براساس چنین مشترکات و نیازهای متقابل بود که نخستین گام برای برقراری مناسبات اقتصادی از سوی آلمان در چهارچوب طرح آلفرد روزنبرگ،^{۳۳} رئیس دفتر امور سیاست خارجی حزب نازی برداشته شد. روزنبرگ در بهار سال ۱۹۳۴ طی یادداشتی به هیتلر پیشنهاد کرد تا آلمان با موافقت بریتانیا، اروپای شرقی، شبه جزیره بالکان و ترکیه را تحت نفوذ خود در آورد. در راستای چنین تفکری بود که ایران هم مورد توجه روزنبرگ قرار گرفت و دفتر وی با همکاری چند شرکت آلمانی دست به اقداماتی برای گسترش روابط تجاری با ایران زد.^{۳۴}

انقصاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری ایران و آلمان

در پی اقدام دفتر روزنبرگ و شرکت‌های آلمانی برای گسترش روابط تجاری با ایران، سفارت ایران در برلین از سوی حکومت مأمور بررسی این موضوع و چگونگی برقراری و گسترش روابط اقتصادی با آلمان شد. حاصل این بررسی در ۲۳ تیر ۱۳۱۴ از سوی سفارت ایران به وزارت امور خارجه این گونه گزارش شد:

«در تعقیب مراسله مورخ ۱۳۱۳/۶/۲۱ نمره ۸۲۱ راجع به انعقاد قرارداد کلیرینگ مدلول تلگراف سفارت شاهنشاهی در برلن در خصوص رئوس مسائل طرح پیشنهادی آلمان برای استحضار خاطر محترم و اقدام مقتضی ذیلاً مندرج می‌گردد. رئوس یادداشتی که داده‌اند این است که حاضراند در صورت عقد قرارداد، ورود پشم، انواع پوست، روده و موم ایران را بدون محدودیتی اجازه دهند. برای سایر امتعه ایران سهم بیشتری مناسب با منافع ایران قائل شوند. در مقابل تقاضا دارند برای امتعه آلمان نیز سهمی مناسب در ایران قائل شوند و کارخانجات آلمان نیز بیش از پیش در خریدهای ایران ذی‌سهم شوند. و وعده می‌دهند اقدام کنند قیمت‌های کارخانجات آلمان قابل رقابت با سایر دول باشد. خارج از این یادداشت اظهار شد اولاً آلمان قادر به پرداخت اسعار نیست و حساب معاملات باید سربه‌سر باشد. ثانیاً معاملات با آلمان مشمول مقررات تصدیق صدور نباشد. ثالثاً صادرات نفت جنوب به آلمان اقلأ به تناسب سهم ایران در حساب معاملات داخل شود. به دو موضوع اخیر جواب مقتضی داده شد. ولی شاید در موقع مذاکرات اقدام و عنوان نمایند. نماینده که اعزام می‌شود مقتضی است با نظریات دولت ایران در این موضوعها [اطلاع] بیابد. ضمناً اطلاعات کامل راجع به امتعه که حتماً می‌خواهیم

33. Alfred Rosenberg.

۳۴. فاطمه پیرا، روابط سیاسی- اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹)، ص

بطور غیر محدود به آلمان وارد، و همچنین میزانی که برای امتعه محدود می‌خواهیم تقاضا کنیم، در دست داشته باشد.^{۳۵}

پس از این گزارش دولت ایران تصمیم گرفت تا هیأتی را برای انجام مذاکرات و عقد قرارداد به آلمان اعزام کند. هیأت ایرانی که اعضای شاخص آن را بدر معاون وزیر مالیه، وثیقی معاون اداره کل تجارت و انصاری رئیس اداره اقتصادیات وزارت امور خارجه تشکیل می‌دادند، در روز شنبه ۷ مرداد ۱۳۱۴ (۲۸ جولای ۱۹۳۵) وارد برلین شد. پنج روز بعد اولین ملاقات آنان با هیأت مذاکره‌کننده آلمانی که اعضای اصلی آن را دکتر ولتات مدیر کل وزارت اقتصاد ملی و دکتر شاخت وزیر اقتصاد و رئیس رایش بانک تشکیل می‌دادند صورت گرفت.^{۳۶} مذاکرات تا ۷ آبان ۱۳۱۴ (۳۰ اکتبر ۱۹۳۵) ادامه پیدا کرد. دکتر شاخت در جریان مذاکرات اولیه در ماه مرداد به هیأت ایرانی اعلام کرد: «آلمان مایل است خرید مواد خام خود را که سابقاً از بازارهای آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی تهیه می‌کرد ترک کرده در سایر نقاط دیگر بازار جدید پیدا کند. به این واسطه موقع مناسبی برای ایران که دارای مواد اولیه است پیدا شده که تجارت خود را با آلمان توسعه دهد.»^{۳۷} وی همچنین افزود که تحقق این امر ایران را از صدور کالاهای خود به روسیه تا حدود زیادی بی‌نیاز می‌سازد و ایران دیگر مجبور نیست کالاهایش را به هر قیمتی که شوروی‌ها تعیین می‌کنند بفروشد.^{۳۸}

در پی انجام این مذاکرات مقدماتی سرانجام قراردادی موسوم به قرارداد تصفیه محاسبات تجاری ایران و آلمان در ۸ آبان ۱۳۱۴ (۳۰ اکتبر ۱۹۳۵) در بیست ماده به امضا رسید. مهم‌ترین مواد این قرارداد که هدف از آن فراهم کردن مبالغ پایاپای کالا میان دو کشور بود به شرح زیر است: «ماده اول: پرداخت‌های بین ایران و آلمان طبق قواعد و ترتیبات مقرره زیر خواهد بود مگر این که دولتین آلمان و ایران طرز دیگری را برای پرداخت تجویز نمایند.

ماده دوم: پرداخت‌های تجاری یا از طریق تهاتری بین صندوق تهاتری آلمان و بانک ملی ایران یا از راه حساب‌های تهاتری خصوصی تصفیه خواهد شد.

ماده سوم: الف: پرداخت‌ها در آلمان به دو طریق ذیل میسر خواهد بود. (۱) به وسیله تحویل رایش مارک به حساب تهاتری عمومی که به نام بانک ملی ایران در صندوق تهاتری آلمان باز می‌شود. (۲) به وسیله تحویل رایش مارک به یک حساب تهاتری خصوصی (حساب مخصوص خارجی‌ها برای پرداخت

۳۵. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۹۱۸۳-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۱۲۰۲ ب ۱، ص ۱۴۰.

۳۶. همان، ص ۹۱.

۳۷. همان، ص ۱۲۹.

۳۸. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶ (تهران: علمی، ۱۳۷۴)، ص ۲۴۹.

در آلمان). ب: پرداختها در ایران نیز به دو طریق زیر میسر خواهد گردید. ۱) به وسیله تحویل ریال در وجه بانک ملی به حساب فروشندگان. ۲) به وسیله پرداخت به حساب تهاتری خصوصی مفتوح شده در ایران.

ماده چهارم: تبدیل پول غیر از ریال به رایش مارک براساس آخرین اطلاع حاصله مظنه متوسط رسمی ثبت شده در برلن خواهد بود. تبدیل رایش مارک به ریال و ریال به رایش مارک طبق مظنه که با توافق نظر صندوق تهاتری آلمان و بانک ملی ایران خواهد شد به عمل می آید.

ماده ششم: مال التجاره ایرانی به مفهوم قرارداد حاضر اجناسی است که بالتمام در ایران تحصیل شده و یا برای تکمیل آن در ایران عملیاتی شده است که از لحاظ اقتصادی قابل قبول و کیفیت آن تغییر عمده داده باشد. مال التجاره آلمانی به مفهوم قرارداد حاضر اجناسی است که بالتمام در آلمان تحصیل شده و یا برای تکمیل آن در آلمان عملیاتی که از لحاظ اقتصادی قابل قبول و کیفیت آن تغییر عمده داده باشد.

ماده هشتم: برحسب تقاضای تجارتخانه‌های ذی‌علاقه و با تصویب صندوق تهاتری آلمان و بانک ملی ایران وجوه جمع شده در حساب‌های تهاتری عمومی و یا تهاتری خصوصی را ممکن است به وسیله نقل و انتقال بین‌الائتین از حساب باز شده در یک مملکت به حساب متشابه باز شده در مملکت دیگر پا به پا نمود.

ماده نهم: دولت آلمان بدون هیچ‌گونه حصر و تحدیدی اجازه می‌دهد که قیمت هر نوع مال التجاره آلمانی اعم از ساخته یا نیمه‌ساخته و همچنین ذغال سنگ آلمانی به وسیله تهاتری بین صندوق تهاتری ایران و بانک ملی پرداخته شود. به علاوه دولت آلمان بدون هیچ‌گونه حصر و تحدیدی اجازه می‌دهد که برای پرداخت‌های فوق از وجوه حاصله از حساب‌های تهاتری خصوصی باز شده در آلمان استفاده شود. دولت ایران بدون هیچ‌گونه حصر و تحدیدی اجازه می‌دهد که قیمت هر نوع مال التجاره ایرانی به وسیله تهاتری بین بانک ملی و صندوق تهاتری آلمان پرداخته شود. به علاوه دولت ایران بدون هیچ‌گونه حصر و تحدیدی اجازه می‌دهد که برای این‌گونه پرداخت‌های از وجوه حاصله از حساب‌های تهاتری خصوصی باز شده در یکی از بانک‌های تاسیس شده در ایران استفاده شود.

ماده دهم: طرفین متعاهدین قبول می‌کنند که حساب‌های تهاتری خصوصی و حساب‌های تهاتری عمومی را مشمول یک نوع معامله نموده و در هیچ مورد مزایای اختصاصی برای یک یا دیگری از آن حساب‌ها قائل نشوند. بدیهی است که واردکنندگان می‌توانند از موجودی خود در حساب‌های تهاتری

خصوصی که در هر یک از دو مملکت به نام آنها باز شده باشد برای پرداخت قیمت مال‌التجاره آزادانه استفاده نماید.^{۳۹}

انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری دوره‌ای جدید از روابط اقتصادی را میان دو رژیم رقم زد. این قرارداد مخصوصاً بر شئونات اقتصادی ایران از جمله هم در بخش صنعت و هم در بخش کشاورزی تأثیرهای مهمی داشت که در زیر به پیامدهای انعقاد این قرارداد در بخش کشاورزی ایران عصر پهلوی اول خواهیم پرداخت.

پیامد انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری بر سیاست‌های اقتصادی حکومت در بخش کشاورزی

پس از انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری حضور هیأت مذاکره‌کننده ایرانی در آلمان به منظور توسعه و تحکیم روابط تجاری با این کشور نه ماه دیگر ادامه پیدا کرد.^{۴۰} انعقاد پروتکل محرمانه مبادلات تجاری ایران و آلمان در ۱۱ بهمن ۱۳۱۴ (۳۱ ژانویه ۱۹۳۶)^{۴۱} و تشکیل اطاق بازرگانی ایران و آلمان در ۳۰ تیر ۱۳۱۵ (۲۱ جولای ۱۹۳۶)^{۴۲} نتیجه فعالیت‌های اعضای این هیات بود. پروتکل مبادلات تجاری ایران و آلمان که در پی قرارداد تصفیه محاسبات تجاری منعقد گردید از یک‌سو در تحکیم روابط اقتصادی دو کشور و از سوی دیگر در شکل‌گیری مرحله‌ای جدید در سیاست‌های اقتصادی در بخش کشاورزی ایران نقش مهمی داشت. ماده اول این پروتکل اجازه می‌داد اجناس آلمانی طبق صورت رسمی سهمیه آزاد وارد ایران شود. در مقابل و بر اساس ماده دوم پروتکل دولت آلمان به صورت نامحدود اجازه داد برخی از اجناس ایرانی به آلمان وارد شود. این اجناس عبارت بودند از: قالی، گردو، خشکبار، گندم، جو، ارزن، برنج، پنبه خام، میوه و برگ گیاهانی که مصرف دارویی داشتند، زیره صحرایی، خزه‌ها، تمبر هندی، کاسیای خام، میوه، برگ، گیاه و ساقه‌هایی که مصرف طبی داشتند، پوست درخت برای دباغی، انگور، سندروس، انواع صمغ‌ها، موم زنبور عسل و سایر موم‌های حشره به صورت طبیعی، پشم خام گوسفند، کرک شتر به صورت خام و جوشیده، موی بز به صورت خام و جوشیده، پیله ابریشم، پوست و چرم خام، پوست خام برای مصارف لباس (از روباه، خز، گرگ، شغال، سگ‌آبی، گربه‌کوهی و راسو)، روده گوسفند، مستخرجات

۳۹. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۰۶۸۷-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۷۰۳ پ ۲ ب ۱، ص ۱۱۶-۱۱۴.

۴۰. عبدالحسین مسعود انصاری، زندگانی من و نگاهی به تاریخ سیاسی ایران و جهان، ج ۲ (تهران: ابن‌سینا، ۱۳۵۱)، ص ۳۲۱.

۴۱. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۲۰۲۳-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۷۰۴ ع ۳ آ آ ۱، ص ۵.

۴۲. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۰۶۸۷-۲۴۰۰، محل در آرشیو ۷۰۳ پ ۲ ب ۱، ص ۱۲۲.

حیوانات، عصاره دباغی، فضولات ابریشم شانه نشده و پوست و چرم بره، گوسفند، بز و بزغاله.^{۴۳} لیست کالاهای مورد درخواست آلمان از ایران نشان می‌دهد که بیشتر این کالاها کشاورزی و دامی هستند. این مطالبات با افزایش تقاضاهای آلمان در پروتکل‌های مبادلاتی بعدی در سال‌های ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ بیشتر شد. آلمان در پروتکل مبادلات تجاری ۲۷ مهر ۱۳۱۷ (۱۹ اکتبر ۱۹۳۸) خود با ایران بر میزان و تنوع مواد اولیه مورد نیاز خود افزود. در پروتکل مبادلاتی سال ۱۳۱۴ مقرر شده بود آلمان دو میلیون مارک تصدیق اسعاری برای واردات قالی صادر کند.^{۴۴} این میزان در پروتکل مبادلاتی سال ۱۳۱۷ به پنج میلیون مارک افزایش یافت.^{۴۵} علاوه بر میزان، بر تنوع محصولات و اجناس نیز افزوده شد. توتون، میوه‌های خشک‌شده خوراکی، برگه زردآلو و هلو، خرما، تریاک، هسته زردآلو، کتیرا، خاک سرخ، شلتوک، کنف، میوه‌ها و برگ‌ها با مصارف صنعتی، اجناسی بودند که بر لیست واردات آلمان در پروتکل مبادلاتی سال ۱۳۱۷ افزوده شدند.^{۴۶} در ادامه این روند آلمان در پروتکل مبادلاتی ۱۴ مهر ۱۳۱۸ (۱۶ اکتبر ۱۹۳۹) بر میزان مواد اولیه مورد درخواست خود از ایران افزود. این افزایش بر اساس ماده دوم پروتکل سال ۱۳۱۷ صورت می‌گرفت که در آن مقرر شده بود تا دولت ایران تلاش خود را برای افزایش میزان اجناس صادراتی به کارگیرد.^{۴۷} در راستای همین توافق بود که در پروتکل مبادلاتی سال ۱۳۱۸ بر میزان صادرات برخی از اجناس در مقایسه با پروتکل مبادلاتی سال ۱۳۱۷ افزوده شد.^{۴۸}

تمایل روبه افزایش دولت آلمان برای خرید مواد اولیه موجب می‌شد تا ایران برای تأمین مطالبات این کشور در صدد افزایش تولید این مواد برآید. ضرورت انجام چنین کاری هنگامی بیشتر می‌شد که شرکت‌های تجاری و صنعتی آلمان هم در راستای سیاست‌های اقتصادی رژیم نازی در صدد برآمدن قراردادهای جداگانه با دولت و شرکت‌های ایرانی برای تهیه مواد اولیه منعقد کنند.^{۴۹}

۴۳. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۳۰۱۲۰۲۳، محل در آرشیو ۷۰۴ ع ۳ آ آ ۱، ص ۶-۵.

۴۴. همان، ص ۱۱۱.

۴۵. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۲۰۱۲۰۲۲، محل در آرشیو ۷۰۳ ع ۳ آ آ ۱، ص ۶.

۴۶. همان، ص ۹-۷.

۴۷. همان، ص ۶.

۴۸. به عنوان مثال میزان صادرات پنبه از ۱۰۰۰۰ تن در سال ۱۳۱۷ به ۲۲۵۰۰ تن در سال ۱۳۱۸، و کتیرا از ۳۰۰ تن در سال ۱۳۱۷ به ۵۰۰ تن در سال ۱۳۱۸ افزایش یافت. برای مطالعه بیشتر در خصوص این افزایش نک: سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۲۲۱۴۸، محل در آرشیو ۱۰۹ ت ۴ ب آ ۱، ص ۵.

۴۹. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۳۴۱۶، محل در آرشیو ۲۰۲ ف ۲ آ آ ۱، ص ۴۹.

در چنین شرایطی دولت ایران ناچار بود تدابیری برای افزایش تولید مواد اولیه مورد نیاز آلمان که بیشتر مواد کشاورزی بودند بیندیشد. لذا توجه حکومت به توسعه کشاورزی ضروری بود. تحت تأثیر همین ضرورت بود که از سال ۱۳۱۶ از میزان تمایل دولت به صنعتی‌سازی که از سال ۱۳۰۹ به دلیل بحران اقتصادی ۱۹۲۹ در برنامه‌های اقتصادی حکومت بود، به دلیل لزوم توجه همزمان به کشاورزی تجاری کاسته شد و تلاش برای افزایش تولید مواد اولیه کشاورزی با هدف تأمین مطالبات مواد اولیه آلمان بر اساس پروتکل‌های مبادلات تجاری آغاز شد.

این تغییر با اظهارات رضاشاه هنگام بازدید از نمایشگاه کالاهای فارس در اسفند ۱۳۱۵ شروع شد. وی در این بازدید بر لزوم توجه به کشاورزی و اولویت آن بر صنعتی‌سازی این‌گونه تأکید کرد:

مسلماً هر کس به دنبال کار فلاحی یا صنعت پرود کامیاب خواهد شد. به فلاحی باید بیشتر از صنعت توجه شود. زیرا مواد خام و محصولات فلاحی ما طرف توجه دنیاست. ما در بین اقلام صادرات کشور هیچ جنس تجملی نداریم. هر قدر محصول به‌دست آید بازار خواهد داشت. بنابراین حالا که خوشبختانه تا اندازه‌ای موجبات کار و میدان فعالیت باز شده است، بایستی اسباب تشویق عموم فراهم گردد تا هم برای خود و هم برای هم‌میهنان مفید واقع گردند. ... نظر من بیشتر متوجه فلاحی است. یک موقعی صنعت زیاد شد و اکنون هم می‌گویم باید زیاد شود اما به نسبت احتیاج و تناسب. نباید همه یک راه را دنبال کنند. مثلاً اگر نخ محصول دو کارخانه به‌صورت پارچه در بیاید خوب است. ولی باز هم دایر کردن کارخانه نخ‌ریسی بیش از احتیاج کشور می‌باشد و ممکن است مضر به اقتصاد کشور گردد. پنبه‌کاری باید خیلی توسعه یابد. پنبه متاعی است که بازاریش ضعیف نمی‌شود و روز به روز احتیاج به این محصول زیادتر می‌گردد و خوشبختانه پنبه ایران عموماً خوب است و انتظار دارم سعی کامل نمائید پنبه و نوع آن و هر قسم محصول فلاحی و صادراتی زیادتر شود.^{۵۰}

در پی این اظهار نظر بود که توسعه کشاورزی تجاری با هدف کسب درآمد بیشتر از بازار جهانی فروش مواد اولیه در اولویت سیاست‌های اقتصادی قرار گرفت. در نتیجه چنین اولویت‌یابی بود که برخی از مطبوعات بر ضرورت و لزوم توجه به این مسأله تأکید کردند. به‌عنوان مثال روزنامه اطلاعات در لزوم توجه توسعه کشاورزی نوشت:

«ما باید بدین نکته متوجه باشیم که ایران برای تولید مواد اولیه عرصه پهناوری است و دنیا نیز برای خرید محصولات آن بازار شایسته و خوبست و ما می‌توانیم با جزئی دقت در امر فلاحی منافع و

سود سرشاری برده ثروتمند شویم. گفتار بزرگان گیتی برای درمان زخم‌های معنوی تا چه اندازه دخیل و موثر است... شاهنشاه در هر امری مترصدند که جنبه عادی خارج نشده برای کشور تولید ضرر ننمایند میفرمایند اول فلاح‌دوم صنعت. این دستور بزرگ شایان توجه زیاد و برای افراد کشور رهنمای مهمی است. آری باید به فلاح بیشتر اهمیت داد. زیرا مواد خام از قبیل پنبه، کتیرا، و همچنین خشکبار مورد احتیاج ملل صنعتی اروپایی است و مشتری فراوان دارد. ما باید در فلاح سعی کنیم و بر صادرات فوق بیفزائیم و در صنعت به اندازه احتیاج داخلی سعی و کوشش نمائیم و رفع نواقص نموده به اقتصاد کشور کمک کنیم.^{۵۱}

همین روزنامه با تأکید مجدد بر لزوم اولویت یافتن کشاورزی با هدف صادرات می‌آورد:

برای هر کشوری فلاحی یا صنعتی تفاوت ندارد، این مسأله اهمیت دارد که پس از تأمین نیازمندی‌های داخلی کشور از محصولات و موالید فلاحی، فکر تجارت صادراتی خود را بکند. و این فکر همیشه توأم است با فکر و دقت اینکه بازارهای جهانی چه احتیاجی داشته و چه می‌خواهد. تولیدکننده در هر کشوری همیشه ناگزیر از متابعت میل خریداران در بازار جهانی است. ... بنابر این تبدیل نوع محصولات فلاحی به مقتضای احتیاج بازارهای تجارتی و مصرف و استهلاک کارخانه‌های داخلی از جمله مسائلی است که مقتضیات عصر آن را ایجاب و ضروری می‌نماید.^{۵۲}

علاوه بر روزنامه اطلاعات، مجله اطاق تجارت هم بر ضرورت و اهمیت توسعه کشاورزی صادراتی با توجه به اظهارات رضاشاه و نیازهای بازار جهانی تأکید کرد:

«اندکی توجه به اوضاع و احوال دنیا بیش از پیش ما را متوجه اهمیت معنای فرمایشات ملوکانه در بسط فلاح و تکثیر تولید مواد خام می‌نماید و نیازمندی‌های بازار دنیا به مواد خام فلاحی قدر و ارزش فلاح را در نظر ما بزرگ خواهد ساخت. امروز در دنیا بر اثر تجربیات ممتدی که مخصوصاً بعد از جنگ بین‌المللی به عمل آمده معلوم گردیده است که هیچ محصول شیمیائی نمی‌تواند جایگزین محصول فلاحی گردد. یعنی دانشمندان شیمیدان اگر هم فرضاً با مغز چوب محصولی نظیر پنبه بسازند، جای پنبه را نخواهد گرفت و همینطور سایر محصولات فلاحی. و از سوی دیگر ادراک این نکته قابل کمال توجه می‌باشد که بدانیم اساساً چرا در کشورهای صنعتی علمای شیمیست به کار گرفته و می‌کوشند که به نیروی علم نیازمندی‌های خود را از مواد خام فلاحی مرتفع سازند. برای این است که فاقد مواد خام مزبور می‌باشند و برای این است که صنایع آنها نیازمند این مواد می‌باشد و بالاخره

۵۱. روزنامه اطلاعات، س ۱۱، ش ۳۰۹۸ (پنجشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۱۶)، ص ۲.

۵۲. روزنامه اطلاعات، س ۱۲، ش ۳۳۲۳ (یکشنبه ۷ آذر ۱۳۱۶)، ص ۱.

برای این است که مواد خام فلاحتی در بازارهای دنیا تقاضای خرید زیاد دارد.^{۵۳} در چنین شرایطی بود که با توجه به تحولات بازار جهانی مخصوصاً تمایل آلمان به خرید مواد اولیه کشاورزی از ایران، تمایل به توسعه کشاورزی تجاری اولویت یافت. در همین راستا از سوی دولت اقدام‌هایی در جهت توسعه کشاورزی تجاری صورت گرفت که برخی از آنها عبارت بودند از:

الف. تشکیل هیأت مدیره پنج نفره از متخصصان کشاورزی زیر نظر اداره کل فلاحت در ۱۸ آبان ۱۳۱۶. وظایف این هیأت عبارت بود از: (۱) بررسی وضعیت کشاورزی و استعداد بخش‌های مختلف کشور و پیش‌بینی اقداماتی که به‌طور کلی برای پیشرفت کشاورزی کشور باید انجام گردد از قبیل ترویج شرکت‌های تولیدکننده محصول کشاورزی. (۲) سرکشی به نقاط مختلف کشور برای بررسی و اظهار نظر نسبت به عمران و آبادی بخش‌های مختلف کشور. (۳) تدوین برنامه دقیق عملیات کشاورزی در هر سال در بخش‌های مختلف و تسلیم آن به اداره کل فلاحت. (۴) ارتباط و مشاوره مستقیم با شوراهای اداره فلاحت در هر بخش از ولایات. (۵) تلاش برای ازدیاد درآمد زارعین. (۶) مراقبت در اجرای قانون عمران و پیشرفت. (۷) حسن اجرای برنامه‌های کشاورزی و عمران. (۸) تهیه مقدمات تأسیس نمایشگاه‌های کشاورزی و پیشنهاد اعطای جایزه‌های کشاورزی. (۹) اجرای مقررات قانون بهداشت دام‌ها و نیز قانون تفتیش صحت نباتات. و (۱۰) بازرسی مزارع و مؤسسات فلاحتی.^{۵۴}

ب. تصویب قانون عمران در ۲۵ آبان ۱۳۱۶. در این قانون که هدف از تصویب آن افزایش محصولات کشاورزی بود، مالکان زمین‌های کشاورزی مکلف به عمران و آبادی اراضی خود در هماهنگی با شورای بخش و یا شهرستان محل سکونت خود شدند. مجموعه اقداماتی که صاحبان اراضی در راستای قانون عمران موظف به انجام آن شدند عبارت بود از: (۱) احداث، احیا و تعمیر قنات‌ها. (۲) دایر کردن اراضی بایر. (۳) دایر نگهداشتن نهرها با اصول فنی کشاورزی و بهداشتی. (۴) احداث و اصلاح خانه‌های رعیتی با اصول بهداشتی. (۵) تأسیس راه‌های فرعی بین دهات. (۶) ایجاد پست‌های بهداشتی و (۷) خشک کردن اراضی باتلاقی.^{۵۵}

ج. تشکیل کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی برای تربیت مأموران ترویج و آموزش کشاورزی و

۵۳. اطاق تجارت، س ۸، شماره ۱۵۵-۱۵۶ (۱ فروردین ۱۳۱۶)، ص ۱.

۵۴. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۲۲۲۷۶، محل در آرشیو ۷۰۷ ث ۵ ب آ ۱، ص ۲-۱.

۵۵. مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۰۰ هجری شمسی، ج ۲ (تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران،

دامپروی در سراسر کشور.^{۵۶} در تشکیل این کلاس‌ها و دوره‌ها علاوه بر اداره کل فلاحت از آذر سال ۱۳۱۶،^{۵۷} وزارت‌های معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه از خرداد ۱۳۱۷^{۵۸} هم مشارکت می‌کردند. د. تلاش برای جمع‌آوری و تدوین اطلاعات کشاورزی از سایر کشورها از طریق اعضا و کارکنان سفارت‌خانه‌های ایران از آبان ۱۳۱۷،^{۵۹}

هـ احداث مزرعه‌های نمونه برای تحقیقات علمی و اصلاح بذر محصولات کشاورزی. باغ فلاحتی نمونه ساوه به مساحت بیست هکتار با هدف پرورش انواع بذر و نهال^{۶۰} و مزرعه‌های آزمایشی توتون طولانش (۱۳۱۵) و تیرتاش^{۶۱} (۱۳۱۶) از جمله این مزرعه‌ها بودند^{۶۲} که با هدف تحقیقات علمی در حوزه کشاورزی تأسیس شدند.

و. حمایت‌های مالی از زارعان، کشاورزان و مالکان با تصویب قوانین جهت تسهیل در اعطای وام‌های دولتی از طریق بانک ملی^{۶۳} و بانک فلاحتی.^{۶۴}

بدین ترتیب حکومت از اواخر سال ۱۳۱۵ به صورت جدی تمایل خود را برای توسعه کشاورزی نشان داد. در نتیجه چنین تمایلی حکومت پهلوی در صدد اجرای سیاست‌هایی در جهت توسعه کشاورزی تجاری برآمد که هدف آن تأمین مطالبات مواد اولیه آلمان بود که هرساله بر اساس پروتکل‌های تجاری دوجانبه در حال افزایش بود.

نتیجه‌گیری

قرارداد تصفیه محاسبات تجاری ایران و آلمان نازی در شرایطی منعقد گردید که حکومت پهلوی به منظور تأمین هزینه‌های لازم برای اجرای سیاست صنعتی‌سازی و تأمین ماشین‌آلات مورد نیاز صنایع خود دچار مشکل شده بود. از سوی دیگر رژیم نازی در آلمان هم به دلیل مشکلات ارزی که در نتیجه بحران اقتصادی به آن دچار شده بود قادر به تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنایع خود

۵۶. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۱۰۰۳۵۹۱، محل در آرشیو ۵۰۳ ع ۴ آ ج ۱، ص ۱۹۳.

۵۷. روزنامه اطلاعات، س ۱۲، ش ۳۳۳۷ (دوشنبه ۲۲ آذر ۱۳۱۶)، ص ۱.

۵۸. سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۷۰۲۸۲۱۷، محل در آرشیو ۱۱۴ ف ۳ ب ۱، ص ۹.

۵۹. اداره آرشیو و اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۰۰۱ (۱-۲۶) ۱۶۹-۵۳ - S h ۱۳۱۷.

۶۰. روزنامه اطلاعات، س ۱۱، ش ۳۱۰۲ (دوشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۱۶)، ص ۴.

۶۱. منطقه‌ای در نزدیک شهر بهشهر مازندران

۶۲. کشت و صنعت توتون در ایران (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، ص ۱۸۵.

۶۳. باقر عقالی، داور و عدلیه (تهران: علمی، ۱۳۶۹)، ص ۲۹۱.

۶۴. مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۰ هجری شمسی، ج ۲، ص ۱۳۵۴.

برای تجدید سلاح نبود. در چنین شرایطی ایران به عنوان کشور تولیدکننده مواد اولیه مورد توجه رژیم نازی آلمان قرار گرفت. بدین ترتیب نوعی نیاز متقابل میان دو کشور وجود داشت که آنها را به لحاظ اقتصادی به یکدیگر نزدیک می‌کرد. در این رابطه ایران به عنوان کشور تولیدکننده مواد اولیه می‌توانست تأمین‌کننده مواد اولیه مورد نیاز صنایع جنگی آلمان باشد و آلمان هم به عنوان کشوری صنعتی می‌توانست ماشین‌آلات صنعتی مورد نیاز ایران را برای اجرای پروژه‌های صنعتی تأمین کند.

در این میان آنچه که انعقاد چنین قراردادی را تسهیل کرد سیاست اقتصادی رژیم نازی در برقراری مبادلات تجاری با کشورهای تولیدکننده مواد اولیه از طریق مبادله پایاپای بود. برپایه این شکل مبادله تجاری بود که ایران همانند کشورهای اروپای شرقی تولیدکننده مواد اولیه به برقراری روابط مبادلاتی تجاری پایاپای با آلمان تمایل نشان داد. انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری میان دو کشور در آبان سال ۱۳۱۴ نتیجه چنین تمایلی بود.

تمایل ایران به انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری در درجه اول ناشی از تمایل حکومت پهلوی برای تکمیل پروژه‌های صنعتی خود از طریق مبادله پایاپای مواد اولیه با ماشین‌آلات صنعتی مورد نیاز صنایع نوپای ایران بود. این مسأله در پروتکل محرمانه مبادلات تجاری میان دو کشور که در بهمن سال ۱۳۱۴ منعقد شده بود به روشنی مشهود بود. در شرایطی این چنین به نظر می‌رسد که انعقاد قرارداد تصفیه محاسبات تجاری گامی مهم در جهت توسعه و تسریع سیاست صنعتی‌سازی در ایران باشد. اما ادامه روابط تجاری میان آلمان و ایران شرایط دیگری را رقم زد که در نتیجه آن صنعتی‌سازی از اولویت اول سیاست‌های اقتصادی حکومت پهلوی خارج شد و توسعه کشاورزی تجاری جایگزین آن شد.

در این میان آنچه که موجب شد تا سیاست توسعه کشاورزی به جای صنعتی‌سازی در اولویت برنامه‌های حکومت قرار گیرد مطالبات روزافزون مواد اولیه آلمان از ایران بود. تحت تأثیر همین شرایط بود که رضاشاه در سخنرانی خود به هنگام بازدید از نمایشگاه کشاورزی فارس در اسفند ۱۳۱۵ بر لزوم توجه و اولویت‌بخشی بیشتر به کشاورزی با هدف تولید و صادرات محصولات کشاورزی که بازارهای جهانی آن را از ایران مطالبه می‌کردند تأکید کرد. پس از این سخنرانی بود که توسعه کشاورزی تجاری با هدف صادرات مواد اولیه کشاورزی به آلمان به جای صنعتی‌سازی در اولویت برنامه‌های حکومت پهلوی قرار گرفت.

تشکیل هیأت مدیره پنج‌نفره از متخصصان کشاورزی زیر نظر اداره کل فلاحت در ۱۸ آبان

۱۳۱۶ با هدف بررسی وضعیت کشاورزی و پیش‌بینی اقدام‌های لازم برای پیشرفت کشاورزی، تصویب قانون عمران در ۲۵ آبان ۱۳۱۶ با هدف افزایش محصولات کشاورزی، تشکیل کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی برای تربیت مأموران ترویج و آموزش کشاورزی، جمع‌آوری و تدوین اطلاعات کشاورزی از سایر کشورها از طریق اعضا و کارکنان سفارت‌خانه‌های ایران، احداث مزرعه‌های نمونه برای تحقیقات علمی و اصلاح بذر محصولات کشاورزی و حمایت‌های مالی از زارعان، کشاورزان و مالکان با تصویب قوانین جهت تسهیل در اعطای وام‌های دولتی از جمله اقدام‌های حکومت پهلوی در جهت اجرای سیاست توسعه کشاورزی تجاری بود.

کتابنامه

اداره آرشیو و اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۰۰۱ (۱-۲۶) ۱۶۹-۵۳ - ۱۳۱۷ Sh
استاوریانوس، ال. اس. جامعه‌شناسی تاریخی - تطبیقی جهان سوم. ترجمه رضا فاضلی. اراک: دانشگاه آزاد اسلامی اراک، ۱۳۸۵.

اطلاق تجارت، س ۴، ش ۵۲، ۱۵ آذر ۱۳۱۱.

اطلاق تجارت، س ۴، ش ۵۳، ۱ دی ۱۳۱۱.

اطلاق تجارت، س ۸، ش ۱۵۵-۱۵۶، ۱ فروردین ۱۳۱۶.

اطلاق تجارت، س ۸، ش ۱۷۳، ۱ بهمن ۱۳۱۶.

اطلاق تجارت، س ۹، ش ۱۸۲، ۱۶ خرداد ۱۳۱۷.

اطلاعات، س ۱۱، ش ۳۰۹۸، پنجشنبه ۱۹ فروردین ۱۳۱۶.

اطلاعات، س ۱۱، ش ۳۱۰۲، دوشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۱۶.

اطلاعات، س ۱۲، ش ۳۳۲۳، یکشنبه ۷ آذر ۱۳۱۶.

اطلاعات، س ۱۲، ش ۳۳۳۷، دوشنبه ۲۲ آذر ۱۳۱۶.

اطلاعات، س ۱۲، ش ۳۳۷۶، ۱ بهمن ۱۳۱۶.

بروک، پل. جهان سوم در بن‌بست. امیرحسین جهانگللو. ج ۲. تهران: خوارزمی، ۱۳۵۵.
پیرا، فاطمه. روابط سیاسی-اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.

تایپتون، فرانک و رابرت آلد ریچ. تاریخ اقتصادی و اجتماعی اروپا. ترجمه کریم پیرحیاتی. ج ۱. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.

حسین‌زاده خوئی، ادریس. «وقفه تجارت ایران در آلمان، لزوم اقدام فوری.» اطلاق تجارت. س ۵، ش ۹۳. اول تا پانزده شهریور ۱۳۱۳. ص ۷-۵.

داب، موریس. *مطالعاتی در زاد و رشد سرمایه‌داری*. ترجمه حبیب‌الله تیموری. تهران: نی، ۱۳۷۹.
دانیل، گرن. *فاشیسم و نگاه‌های اقتصادی کلان*. ترجمه رضا مرادی اسپیلی. تهران: قطره، ۱۳۸۳.
رونوون، پیر، و ژان باتیست دوروزل. *مبانی و مقدمات تاریخ روابط بین‌الملل*. ترجمه احمد میرفندرسکی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.

رینولدز، چارلز. *وجوه امپریالیسم*. ترجمه سید حسن سیف‌زاده. تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱.
سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۲۰۲۲، محل در آرشیو ۷۰۳ ع ۱ آ ۳.
سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۲۰۲۳، محل در آرشیو ۷۰۴ ع ۱ آ ۳.
سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۳۴۱۶، محل در آرشیو ۲۰۲ ف ۱ آ ۲.
سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۱۹۱۸۳، محل در آرشیو ۱۲۰۲ ب ۱ آ.
سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۲۰۶۸۷، محل در آرشیو ۷۰۳ پ ۲ ب ۱ آ.
سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۲۲۱۴۸، محل در آرشیو ۱۰۹ ت ۴ ب ۱ آ.
سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۴۰۰۲۲۲۷۶، محل در آرشیو ۷۰۷ ت ۵ ب ۱ آ.
سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۱۰۰۳۵۹۱، محل در آرشیو ۵۰۳ ع ۴ آ ج ۱.
سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۲۹۷۰۲۸۲۱۷، محل در آرشیو ۱۱۴ ف ۳ ب ۱ آ.
سالنامه پارس، ۱۳۱۳.

طاهراحمدی، محمود. *روابط ایران و شوروی در دوره رضاشاه*. تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
عاقلی، باقر. *داور و عدلیه*. تهران: علمی، ۱۳۶۹.

کشت و صنعت توتون در ایران. بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
کلاف، شپرد؛ توماس مودی و کارل مودی. *تاریخ اقتصادی اروپا در قرن بیستم*. ترجمه محمد حسین وقار. تهران: گستره، ۱۳۶۸.

کندی، پل. *ظهور و سقوط قدرت‌های بزرگ*. ترجمه محمد قانده و دیگران. ج ۲. تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۸۲.
لارسون، توماس و دیوید اسکیدمور. *اقتصاد سیاسی بین‌المللی تلاش برای کسب قدرت و ثروت*. ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی. ج ۳. تهران: قومس، ۱۳۸۳.

مجموعه قوانین و مقررات سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۰۰ هجری شمسی. ج ۲. تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸.

مسعودانصاری، عبدالحسین. *زندگانی من و نگاهی به تاریخ سیاسی ایران و جهان*. ج ۲. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۵۱.

مکی، حسین. *تاریخ بیست ساله ایران*. ج ۶. تهران: علمی، ۱۳۷۴.

وایس، جان. *سنت فاشیسم*. ترجمه عبدالمحمد طباطبائی یزدی. تهران: هرمس، ۱۳۸۰.

Craig, Gordon A. *Germany 1866 - 1945*, New York: Oxford university press, 1981.

Lee, C. H. "The Effects of the Depression on Primary Producing Countries." *Journal of Contemporary History*. Vol. 4, No. 4, Oct. 1969, pp 139-155.

Orvey, R. *War and Economy in the Third Reich*. London: Oxford University, 1992.

Petzian, Dieter "Germany and the Great Depression." *Journal of contemporary History*.
vol. 4, No. 4, Oct. 1969, pp. 59-74.

Raupach, Hans. "The Impact of the Great Depression on The Easter Europe." *Journal
of Contemporary History*. Vol. 4, No 4. Oct 1969. pp. 75 – 86.